



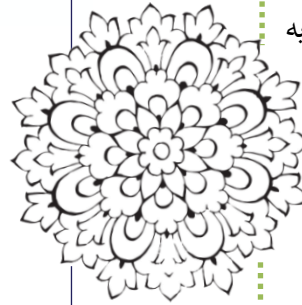
ما که گناه نکردیم، فقط آنجا بودیم ...  
برخی در مورد حضور در جلسات گناه می گویند: « آقا ما که  
حرفی نزدیم. ما که گناه نکردیم. فقط آنجا بودیم». عجب!  
کربلا هم همین طور بود. یک عده ای آمدند تیراندازی  
کردند و حضرت ابا عبدا... (ع) را شهید کردند. اما عده  
دیگری بودند که فقط پشتیبان و پشت جبهه بودند، آن‌ها  
هم هیچ کاری نکردند؛ اما در آن عرصه حضور داشتند.

بر اساس آیات و روایات آن‌ها همان عذاب کسانی را می کشند که حضرت را شهید  
کردند، فرق نمی کند. آن‌ها هم که پشت جبهه بودند، یک فرسخ دورتر بودند و یک تیر  
هم نزدند، آن‌ها هم در این عذاب شریک هستند. چون به کار آنها راضی بودند و مایه  
تایید آنها شدند. نشستن در جلسات گناه هم، امضاء و تایید کار اهل مجلس است.

برگرفته از سخنرانی آیت ا... ناصری

من دل شکسته ام تو چرا گریه می کنی؟  
گریان غروب ها به کجا خیره می شوی؟  
دارم برای غربت تو گریه می کنم  
عمری ست از تو غافلم و تو برای من  
دلشوره های امشب من بی دلیل نیست  
این ابرها همیشه که باران نمی شوند  
برگشته ایم خسته و شرمنده و فقیر...  
داری کدام بغض مرا گریه می کنی؟  
هر روز صبح زود چرا گریه می کنی؟  
داری برای غربت ما گریه می کنی؟  
شب های جمعه پیش خدا گریه می کنی  
سر بر کدام خاک؟ کجا گریه می کنی؟  
شاید تو بغض کرده ای یا گریه می کنی  
یا ایها عزیز... چرا گریه می کنی؟

شاعر: حسن بیابانی



# مشکات



شهید  
صدرزاده  
مصطفی

اگر می خواهید کارتان برکت پیدا کند، به خانواده شهدا سر بزنید؛

زندگی نامه شهدا را بخوانید؛

سعی کنید روحیه شهادت طلبی خود را پرورش دهید...

شهید مدافع حرم

شهید مصطفی صدرزاده

واحد فرهنگی و هنری کانون بقیة...  
مسجد صاحب الزمان (عج) رضی آبادپایین

liveformahdi.com

Telegram.me/liveformahdi

Instagram.com/liveformahdi

## حضرت سلیمان (ع) و مورچه

روزی حضرت سلیمان (ع) در کنار رودخانه ای نشسته بود ، نگاهش به مورچه ای افتاد که دانه گندمی را با خود به طرف رودخانه حمل می کرد. سلیمان (ع) همچنان به او نگاه می کرد که دید او نزدیک آب رسید. در همان لحظه قورباغه ای سرش را از آب رودخانه بیرون آورد و دهانش را گشود. مورچه به داخل دهان او وارد شد و قورباغه به درون آب رفت. سلیمان مدتی در این مورد به فکر فرو رفت و شگفت زده فکر می کرد. ناگاه دید آن قورباغه سرش را از آب بیرون آورد و دهانش را گشود. آن مورچه از دهان او بیرون آمد، ولی دانه ی گندم را همراه خود نداشت. سلیمان (ع) آن مورچه را طلبید و سرگذشت او را پرسید.

مورچه گفت: ای پیامبر خدا در قعر این رودخانه سنگی توخالی وجود دارد و کرمی در درون آن زندگی می کند. خداوند آن را در آنجا آفرید. او نمی تواند از آنجا خارج شود و من روزی او را حمل می کنم.

خداوند این قورباغه را مأمور کرده مرا درون آب به سوی آن کرم حمل کرده و ببرد. این قورباغه مرا به کنار سوراخی که در آن سنگ است می برد و دهانش را به درگاه آن سوراخ می گذارد. من از دهان او بیرون آمده و خود را به آن کرم می رسانم. دانه گندم را نزد او می گذارم و سپس باز می گردم و به دهان همان قورباغه که در انتظار من است وارد می شوم. او در میان آب شنا کرده مرا به بیرون آب رودخانه می آورد و دهانش را باز می کند و من از دهان او خارج می شوم.

سلیمان به مورچه گفت: وقتی که دانه گندم را برای آن کرم می ببری آیا سخنی از او شنیده ای؟ مورچه گفت آری او می گوید: ای خدایی که رزق و روزی مرا درون این سنگ در قعر این آب فراموش نمی کنی، رحمتت را نسبت به بندگان با ایمانت فراموش نکن ...

﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ﴾  
و هیچ جنبنده ای در زمین نیست جز آنکه روزیش بر خداست. و خدا قرارگاه (منزل دائمی) و آرامشگاه (جای موقت) او را می داند، و همه احوال خلق در دفتر علم ازلی خدا ثبت است.

سوره هود، آیه ۶

## تقوا چیست؟

شاگردی از عابدی پرسید: تقوا را برایم توصیف کن!

عابد گفت: اگر در زمینی که پر از خار و خاشاک بود مجبور به گذر شدی چه میکنی؟

شاگرد گفت: پیوسته مواظب هستم و با احتیاط راه میروم تا خود را حفظ کنم.

عابد گفت: در دنیا نیز چنین کن! تقوا همین است.

از گناهان کوچک و بزرگ پرهیز کن و هیچ گناهی را کوچک مشمار زیرا کوهها با آن

عظمت و بزرگی از سنگهای کوچک درست شده اند!!!

## آیه کلمه الله هی العلیا

الله زیباترین کلمه موجود در بین تمامی کلمات

است و هیچ کلمه ای در هیچ زبانی زیباتر از کلمه

الله نیست به طوری که خداوند در قرآن کریم

فرمود: ﴿كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعَلِیَا﴾ یعنی کلمه الله برترین

است. توبه، ۴۰

و اما دلیل خداوند در تفسیر این آیه نهفته است. اگر

کلمه الله حرف اولش را حذف کنیم میشود "الله"

یعنی برای خدا و اگر حرف دومش را حذف کنیم

میشود "له" یعنی برای او و اگر حرف سومش را

حذف کنیم می شود "ه=هو" یعنی او. حالا در

کلمات بدست آمده دقت کنید... الله:خدا ، لله:برای

خدا ، له:برای او ، هو:او .

او ، برای او ، برای خدا ، خدا ، با کمی فکر کردن در کلمات بدست آمده می بینیم که

مقصد کلمات بدست آمده یک شخص واحد است ، الله کسی است که حتی بند بند اسمش

گواه بر یکتایی اوست.



## بخشی از وصیت‌نامه شهید مصطفی صدر زاده

...و شکر بی‌پایان خدایی را که محبت شهدا و

امام شهدا را در دلم انداخت و به بنده

توفیق داد تا در بسیج خادم باشم.

خدایا از تو ممنونم بی‌اندازه که در دل ما محبت



سید علی خامنه‌ای را انداختی تا بیاموزد درس ایستادگی را درس اینکه یزیدهای دوران را بشناسیم و جلوی آن‌ها سر خم نکنیم. از تمام دوستان و آشنایان در ابتدای وصیت‌نامه خویش تقاضا دارم به فرامین مقام معظم رهبری گوش دهند تا گمراه نشوند. زیرا ایشان بهترین دوست شناس و دشمن شناس است. ... برای بنده بی‌تابی و ناراحتی بیش از حد نکنند و اشک‌ها و گریه‌های خود را نثار ابا عبدالله و فرزندان آن بزرگوار کنند..

... فقط خدا می‌داند که چقدر نگران کرده‌ام اذیت کرده‌ام و شما تحمل کردید زیرا تلاش می‌کردید تا فرزندان عاقبت‌به‌خیر شود از شما ممنونم که همیشه انتخاب را به عهده خودم گذاشتید. حتی وقتی در نوجوانی می‌خواستم به نجف برای تحصیل بروم مخالفت نکرده و از اینکه همیشه به نظر من احترام گذاشتید ممنونم حالا هم از شما خواهش می‌کنم یک‌بار دیگر و برای آخرین بار به نظرم احترام بگذارید و از هیچ‌کس و از هیچ نهادی دلخور نباشید مبارزه با دشمنان خود آرزوی بنده بود و فقط خدا می‌داند برای این آرزو چقدر ضجه زدم و التماس کردم ممکن است بعضی‌ها به شما طعنه بزنند اما اهمیت ندهید بنده به راهی که رفتم یقین داشتم.

آن‌کس که تو را شناخت جان را چه کند فرزند و عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دوجهانش بخشی دیوانه تو هر دوجهان را چه کند

بی‌بی زینب آن زمانی که شما در شام غریب بودید گذشت دیگر به احدی اجازه نمی‌دهیم به شما و به سلاله حسین(ع) بی‌احترامی کند. دیگر دوران مظلومیت شیعه تمام شده. بی‌بی جان انی سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم بی‌بی عزیزم مرا قاسم خطاب کن مرا قاسم خطاب کن روی خون ناقابل من هم حساب کن.

۱۳۹۲/۵/۴

## توصیف دنیا از زبان امام علی

بیشترین ضربه‌ها رو خوب‌ترین آدم‌ها می‌خورند؛ برای خوبی‌ها تون حد تعیین کنید و هر کس را به اندازه لیاقتش بها دهید نه به اندازه مرامتان؛

زندگی کردن با مردم این دنیا همچون دویدن در گله اسب است! تا می‌تازی با تو می‌تازند؛ زمین که خوردی؛ آن‌هایی که جلوتر بودند؛ هرگز برای تو به عقب باز نمی‌گردند! و آن‌هایی که عقب بودند؛ به داغ روزهایی که میتاختی تو را لگدمال خواهند کرد! در عجبم از مردمی که به دنبال دنیایی هستند که روزبه‌روز از آن دورتر می‌شوند؛ و غافل‌اند از آخرتی که روزبه‌روز به آن نزدیک‌تر می‌شوند.

نهج البلاغه ص ۵۶ خ ۴۳

## یک‌قدم به جلو

روزی ابوسعید ابوالخیر در مسجدی سخنرانی داشت مردم از تمام اطراف روستاها و شهرها آمده بودند. جای نشستن نبود و بعضی‌ها در بیرون نشسته بودند. سپس شاگرد ابوسعید گفت تو رو به خدا از آنجا که هستی یک‌قدم پیش بگذارید، همه یک‌قدم پیش گذاشتند سپس نوبت به سخنرانی ابوسعید رسید. اما او از سخنرانی خودداری کرد. مردم که به مدت یک ساعت در مسجد بودن و خسته شده بودند، شروع به اعتراض کردند.

ابوسعید پس از مدتی گفت هر آنچه من می‌خواستم بگویم شاگردم به شما گفت: شما یک‌قدم به جلو حرکت کنید تا خدا ده قدم به شما نزدیک شود.





## امتحان شدن شیعیان در آخرالزمان

امام صادق (ع)، درباره شدت فتنه‌های زمان غیبت می‌فرماید:

«وَ اللَّهُ لَتَمَحَّصَنَّ؛ وَ اللَّهُ لَتَمَيِّزَنَّ؛ وَ اللَّهُ لَتَغْرِبَنَّ؛ حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ»؛

به خدا سوگند شما خالص می‌شوید؛

به خدا سوگند شما از یکدیگر جدا می‌شوید؛

به خدا سوگند شما غربال خواهید شد؛

تا اینکه از شما شیعیان باقی نمی‌ماند جز گروه بسیار کم و نادر.

در این میان کسانی نجات خواهند یافت که:

۱- خود را در زمان غیبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک و نزدیک تر کنند؛

۲- خود را از رذایل اخلاقی پاک کنند و به صفات حسنه نیکو گردانند (تزکیه نفس کنند).

۳- شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دعای فراوان برای فرج ایشان، تنها راه نجات در این دوران پر از فتنه است.

بحارالانوار، ج ۵، صفحه ۲۱۶

## حضرت عیسی و امام زمان

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: سوگند به آن کسی که مرا مژده‌آور راستین قرارداد، اگر از عمر جهان، جز یک روز نمانده باشد، خداوند همان یک روز را آن قدر طولانی می‌کند، تا فرزندم مهدی خروج کند. پس از خروج او، عیسی روح‌الله فرود می‌آید و در پشت سر وی نماز می‌گزارد، آنگاه زمین بافروغ پروردگار روشن می‌شود و حکومت مهدی به شرق و غرب عالم می‌رسد.

صدوق، کمال‌الدین، ص ۱۶۳

## چرا برای اموات حمد می‌خوانیم؟

قیصر روم برای یکی از خلفای بنی‌عباس، در ضمن نامه‌ای نوشت: ما در کتاب انجیل دیده‌ایم که هرکس از روی حقیقت، سوره‌ای بخواند که خالی از هفت حرف باشد، خداوند جسدش را بر آتش دوزخ حرام می‌کند، و آن هفت حرف عبارت‌اند از: «ث، ج، خ، ز، ش، ظ، ف»

ما هر چه بررسی کردیم، چنین سوره‌ای را در کتاب‌های تورات و زبور و انجیل نیافتیم، آیا شما در کتاب آسمانی خود، چنین سوره‌ای را دیده‌اید؟

خلیفه عباسی دانشمندان را جمع کرد، و این مسئله را با آن‌ها در میان گذاشت، آن‌ها از جواب آن درماندند، سرانجام این سؤال را از امام هادی (ع) پرسیدند.

آن حضرت در پاسخ فرمودند:

آن سوره، سوره «حمد» است، که این حروف هفتگانه در آن نیست... پرسیدند: فلسفه‌ی نبودن این هفت حرف، در این سوره چیست؟ حضرت فرمودند:

حرف «ث» اشاره به «ثبور» (هلاکت)

حرف «ج» اشاره به «جحیم» (نام یکی از درکات دوزخ)

حرف «خ» اشاره به «خبیث» (ناپاک)

حرف «ز» اشاره به «زقوم» (غذای بسیار تلخ دوزخ)

حرف «ش» اشاره به «شقاوت» (بدبختی)

حرف «ظ» اشاره به «ظلمت» (تاریکی)

حرف «ف» اشاره به «آفت» است

خلیفه، این پاسخ را برای قیصر روم نوشت.

قیصر پس از دریافت نامه، بسیار خوشحال شد، و به اسلام گروید، و درحالی که مسلمان بود از دنیا رفت.

شرح شافیه ابی فراس، مطابق نقل منتخب التواریخ، ص ۷۹۵...